

زیست جهان؛ قلمرو و خاستگاه اندیشه ای و آئینی جامعه صابئین ایران

عبدالرضا مزرعه^۱

یداله ملکی^{۲*}

جعفر تابان^۳

چکیده

زیست جهان آئین جامعه صابئین با ابهامات فراوانی احاطه شده است و بسیاری از محققین و دانشمندان قدیم و معاصر در مورد منشأ صابئین و سرزمین اصلی آنها دچار سردرگمی شده‌اند. به دلیل عدم وجود هیچ اثر و طوماری که منشأ اصلی صابئین را مشخص کند، تعیین محل اصلی صابئین مندائی نیز دشوار است. بنابراین تحقیقات متعددی در خصوص پیدایش و منشأ اصلی آن به رشته تحریر درآمده که هرکدام به جنبه‌ای از آن اشاره می‌نمایند. این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر نسخ خطی، داده‌های تاریخی و کتب اصلی، تمامی نظرات را در این زمینه گردآوری کند و نزدیک‌ترین نظریه را در این زمینه به دست آورد که از طریق آن می‌کوشیم به قلمرو پیدایش آنها اشاره کنیم. در این تحقیق با روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی و توصیفی به بررسی مساله پرداخته‌ایم. با توجه به تکرار کلمه فلسطین در کتب این فرقه دینی و وقایع رخ داده در آن منطقه و بر اساس شواهدی که در متون و کتب مندایی یافت می‌شود، اشارات بسیار مختصر و گذرا در میان کتب یافتیم. شاید صحیح‌ترین نظریه این باشد که زادگاه اصلی صابئین مندائی قبل از مهاجرت به سرزمین بین‌النهرین، فلسطین است. علاوه بر آن در متن مقاله سعی خواهیم کرد که به جایگاه صابئین از لحاظ فقه شیعی و حقوق اساسی ایران نیز پرداخته شود.

واژگان کلیدی: زیست جهان، قلمرو آئینی، اندیشه اجتماعی سیاسی صابئین

۱۵۵

10.22034/ir.2022.362209.2265

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی چهل و شش،

پاییز ۱۴۰۱

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

* maleki@khoiau.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید محلاتی قم، قم، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و شش، صص ۱۵۵-۱۸۴

مقدمه

در کرانه‌های رودخانه‌های کارون و دز (از شهرهای اهواز، سوسنگرد، شوشتر، خرمشهر و بندر ماهشهر در استان خوزستان ایران) و همچنین در عراق، در کرانه‌های بین‌النهرین، به ویژه در نواحی زیرین دو رود (بطائح) فرقه‌ای زندگی می‌کنند که اعضای آن پانزده هزار نفر تخمین زده می‌شوند، و به نظر می‌رسد علت سکونت آنان در این منطقه، به آنچه در آئین آنان از فریضه اغتسال و فرو رفتن در آب جاری می‌باشد برمی‌گردد. به طوری که برخی از مورخان عرب آنها را (مغتسله) و صابئیان بطایحی نامیدند. برخی از آنها به کشورهای دیگر مانند دمشق، بیروت، قاهره و ترکیه مهاجرت کردند و برخی از آنها به اروپا و آمریکا رفته و جمعیت یهودیان پراکنده را تشکیل دادند و مغازه‌های طلاسازی و نقره‌سازی و پروژه‌های دیگر راه اندازی نمودند. تاریخ «صابئیان مندائی» در بیشتر جهات با ابهام احاطه شده است و این موضوع به اعتراف بسیاری از محققین آیین مندایی بدلیل انزوا و بسته بودن شدید مذهبی آنها از دوره‌های بسیار دور است، و این امر به دلیل آزار و اذیت فراوانی است که در دوره‌های متوالی به آن دچار شده بودند، در نتیجه گوشه نشینی و بسته بودن مذهبی را برای حفظ دین و فرهنگ خود ترجیح دادند. همچنین از دست دادن و سوزاندن بسیاری از کتابهایی که در مورد تاریخ و فرهنگ آنها صحبت می‌کند، مزید بر علت می‌باشد. به دلیل اختلاف نظر محققان و متخصصان مذهب مندائی و به دلیل عدم وجود هیچ اثر و طوماری که منشأ اصلی صابئیان را مشخص کند، تعیین محل اصلی صابئیان مندایی دشوار است. به طور کلی، بسیاری از آنچه که طی تحقیقات در مورد منشأ مندائیان به آن اشاره می‌گردد بر اساس دو نظریه می‌باشد: نظریه اول، نظریه خاستگاه شرقی است: طرفداران این نظریه معتقدند که آنها ساکنان بین‌النهرین باستان هستند و بسیاری از اساطیر بابلی را به ارث برده‌اند، اما به دلیل قرار گرفتن در کنار یهودیان ساکن در بین‌النهرین از یهودیت متأثر گشته، و از طریق تماس با نسطوریان مسیحی تحت تأثیر مسیحیت نیز قرار گرفته‌اند. رهبری این گرایش را (اوکراینی) روسی‌تبار در اواسط قرن نوزدهم به عهده گرفت و اظهار داشت که صابئیان با پیامبران خدا آدم و ابراهیم مرتبط بوده‌اند، و آن به این دلیل است که می‌گویند کتاب مقدس آنها "کنزاربا" یا گنج بزرگ همانطور که در بین‌النهرین نامیده می‌شود حاوی

صحف اولین خلقت حضرت "آدم" می‌باشد. علاوه بر این ارتباطشان با حضرت ابراهیم خلیل (ع) و نگهداری آنان از صحف ایشان و همچنین انجام دادن آداب غسل تعمیدی که او وضع کرده بود. به طوری که گفته می‌شود بخشی از آنان با ایشان به شهر حران در سوریه سفر کردند.

و اما نظریه دوم، نظریه منشأ غربی است، برخی معتقدند که منشأ آنها در غرب، در منطقه بحرالمت (فلسطین یا اورشلیم) یا در ماوراءالنهر بوده است، جایی که حتی قبل از اینکه به جنوب عراق نقل مکان کنند در آنجا مراسم غسل تعمید انجام می‌شد. این گرایش توسط لیدزبارسکی در تحقیقات اولیه خود رهبری شد. سپس آن را پس گرفت تا در تحقیقات اخیر خود از خاستگاه شرقی بگوید و برعکس، بانو لیدی دراور در تحقیقات اخیر خود از تمایل خود به نظریه منشأ شرقی چشم پوشی کرده و با اندکی احتیاط منشأ غربی را پذیرفت، بدون اینکه رابطه حسح با مندائیان را کنار بگذارد. همچنین رودولف ماتسوخ و کورت رودولف نیز به این نظریه علاقه نشان دادند با این حال پژوهش حاضر می‌خواهد به سوال اصلی مقاله پاسخ دهد که تطور و شکل‌گیری و خاستگاه‌های زیست جهان آیینی جامعه صابئین چگونه بوده است. در این مقاله سعی می‌شود با تکیه بر داده‌های تاریخی به این مساله پاسخ داده شود.

۲. تاریخ صابئین در صدر اسلام

۱-۲. معنای لغوی صابئه

در علت نامیدن آنها به صابئین (صبه یا مفرد صابی یا صبی) اختلاف داشتند و اینکه این یک کلمه عامیانه عربی است و در زبان عرب کلمه صابئین از صباً و بمعنای خروج از دینی به دین دیگر مشتق و گرفته شده است (زبیدی، ۱۲۰۵ : ۱/۳۶۰).

همان گونه که ستارگان از دیدگان خود برمی‌خیزند. جسینوس آلمانی می‌گوید: که این کلمه عبری است و متغی نیست که از کلمه ای به معنای طلوع ستاره گرفته شده باشد (رازی، بی تا : ۳۵۴). عرب از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نام می‌بردند، زیرا دین قریش را به اسلام واگذار کرد.

همچنین پس از اسلام آوردن حمزه، عموی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، کفار قریش خطاب به او کردند و گفتند: ما تو را جزء آنکه از دین و آیین ما روی

گرداندیدی صابئی می دانیم . و در شعب ابوطالب (علیه السلام) پس از محاصره مسلمانان، مشرکان قریش به آنان گفتند: میان ما و شما صلح و خویشاوندی نیست و جز قتل این صابئی چیزی نمیخواهیم و قصدشان از صابئی محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. و چنانکه گفته شده است: عمر بن خطاب قبل از اسلام آوردن، با شمشیر به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حمله کرد و خواست او را بکشد. از ایشان پرسیده شد که چه کار می خواهید بکنید؟ گفت: می خواهیم این صابئی را که از قریش جدا شد را بکشیم (زییدی، ۱۲۰۵: ۵، عباسی، ۱۳۹۰: ۱۳).

و صیغ و صبأ اعم از صبغۀ الله مندرج در قرآن که در زبان مندائی و مشتق از آن است و لکه دار یا غوص در آب و رنگ در لغت نامه فارسی دهخدا صابئین آمده است. به جمع صابئین، کلمه ای مشتق از عبری (ص ب ع) به معنای غواصی در آب، آمده است. چنانکه در دایره المعارف فرانسوی جلد چهارم ص ۲۲ آمده است: که این کلمه عربی است و به معنای غوطه ور شدن در آب یا غسل تعمید است و به گفته آنها غسل گویند (شیرازی، ۱۴۲۱: ۲۱۱). از آنجایی که غوطه ور شدن در آب غسل تعمید یکی از آداب مذهبی اصلی آنهاست و عبارات زیادی دارند که کلمه مصب را در مراسم خود زیاد ذکر می کنند.

به طهارت روزانه آنها با شستن در آب (مصبته) غسل تعمید می گویند. و در این مورد عباراتی را بیان می کنند و می گویند: «هر کس غسل تعمید بگیرد نجات پیدا می کند. و همچنین می گویند: صینا امصبته اد بهرام ربه.» یعنی با غسل تعمید ابراهیم کبیر، غسل تعمید شدیم (دراور، ۱۹۷۳: ۸). که صابئین بر اساس اعتقادات خود این عبارت را به معنای «نجات یافتگان به نور حق و توحید و ایمان» تفسیر می کنند.

۲-۲. صابئین مندائی در اصطلاح

اعتقاد بر این است که واژه مندائی از ریشه مندا یا ماندا گرفته شده است که در زبان مندایی سریانی به معنای دانش یا علم است. مندائی کسی است که دارای علم الهی است، یا خدا را می شناسد.

و نیز نام فرشته، مندائی است که به معنای نخستین دانا یا نخستین حیات است (برنجی، ۱۹۹۰: ۵).

صابئین مندائی تنها فرقه صابئینی است که تا به امروز باقی مانده اند و یحیی (علیه السلام) را پیامبر خود می دانند و گرایش به ستاره قطب شمال و غسل تعمید در آب روان از مهم ترین ویژگی های این آیین است (جهنی، ۲۰۱۰: ۲/۷۱۴). و اما نام صابئین به این دلیل است که در قرآن کریم در سه جا (بقره، مائده و حج) در کنار اهل کتاب از قبیل یهود، نصاری و مجوس ذکر شده اند (خیون، ۲۰۱۵: ۶۴).

و اما واژه مندائی در زبان سومری از اصل کلمه ماندا از سومری (ما-دا) آمده است که به معنای مسکن یا سرزمین عبادت است.

به همین دلیل است که امروزه می بینیم که معبد مندائیان را مندی می نامند. سپس این کلمه در زبان اکدی به صورت ماندو تکامل یافته و ظهور کرده است و معنای امروزی آن ایمان قوی است (مدنی، ۲۰۰۹: ۲۳).

محقق احمد لفته الفیاض اشاره کرده است: که صابئیان خود را مندائی می نامند که از کلمه آرامی "مدعا" به معنای دانش گرفته شده است. و صاحبان آنها را مندائیین می گویند که گروهی از قبایل آرامی هستند که در فلسطین زندگی می کردند و سپس به عراق مهاجرت کردند (فیاض، ۲۰۱۱: ۵/۱۰۰).

۲-۳. صابئین در ایران

هنگامی که گروهی از یهودیان فلسطینی به نقاط مختلف جهان مهاجرت کردند، گروهی از آنان به عراق مهاجرت کردند و گروهی از آنان که به صابئین مندائی معروف بودند به ایران آمدند و در غرب کشور و سواحل ایران زندگی کردند. این فرقه در رودخانه کرخه و منطقه سوسنگرد گسترش یافت و توانستند در آزادی کامل زندگی کنند و آداب و رسوم دینی خود را زیر نظر حکومت سلسله اشکانیان تا قرن نهم و تا زمانی که مشعشعیان زمام قدرت را به دست گرفتند و حکومت فرقه متعصبی را تأسیس کردند، حفظ نمودند.

لذا صابئین برای در امان ماندن از آزار مذهبی آنان، از هویزه به شهر شوشتر مهاجرت کردند و در نزدیکی کارون و در خرمشهر نزدیک شط العرب (اروند رود) جایی که با ساکنان منطقه همزیستی می کردند و به آنها آزادی عمل می دادند، گسترش یافتند تا دین و سنت و صنعت خود را انجام دهند. و مردم منطقه از آنها استقبال کردند و به آنها

احترام گذاشتند و سران طوایف و قبایل عرب، زمین‌های کشاورزی را به آنها اعطا کردند. بنابراین زمین‌ها را شخم و آباد نمودند. اما در صنعت (ماشین‌های آهنگری و قایق‌های ناوبری) مخصوصاً نقره و زرگری و شکار و برداشت سرآمد بودند. و از این رو در حقوق و تکالیف اجتماعی با عربها برابری می‌کردند و امروز لباس عرب می‌پوشند و به زبان عربی تکلم می‌کنند، همانطور که به زبان فارسی هم خوب صحبت می‌کنند. پیروان فرقه صابئین مندایی در خرید و فروش طلا و پروژه‌های مهم در اهواز و سایر شهرهای ایران مانند تهران، شیراز و سایر کشورها متمرکز هستند (سبهبانی، ۲۰۰۶: ۳۰).

۲-۴. تعداد مندائیان جهان

صابئین پیروانی هستند که از قدیم الایام شناخته شده‌اند. اما تعداد کم آنها و حضورشان در یک منطقه جغرافیایی خاص، آنها را برای بسیاری ناشناخته، و محل زندگی سنتی آنها در عراق و ایران کرده است. آمار دقیقی از تعداد صابئین چه در عراق، چه ایران و چه در جهان وجود ندارد. تعداد مندائیان سه دهه پیش در عراق ۱۵۰ هزار نفر و در ایران نزدیک به ۲۰ هزار نفر بودند و اکنون آمار جدیدی برای ما وجود ندارد.

آقای نقدی فروشنده طلا و نقره در خرمشهر می‌گوید: در سال ۱۳۷۷ شمسی ۶۷ خانوار در خرمشهر وجود داشتند و اکنون تنها ۵ خانوار وجود دارند. از شیخ نجاح جحیلی کنزورا و بزرگ صابئین مندائی اهواز نیز درباره وجود جمعیت مندائیان در حال حاضر پرسیدم که پاسخ داد: ما در نقاط مختلف دنیا کانادا، استرالیا، اروپا، آمریکا و کشورهای دیگر سکونت داریم. وی علت مهاجرت آنها را حاصل تلاشهای مستمر برای مسلمان شدن و مسیحیت آنها از اواسط قرن شانزدهم میلادی بوده و یا از آیینی هابی که باعث مرگ جمعیت منطقه شده بود، اشاره کرد. از ۳۴۰۰ خانواده، همانطور که صادق تیغنو در نقشه خود که در سال ۱۶۶۳ میلادی در پاریس منتشر کرد، تعداد آنها را به ۵۶۰ خانواده در سال ۱۸۵۴ میلادی، همانطور که پیترمن اشاره کرد. یا چهار هزار نفر، همانطور که سیوفی ذکر کرده است، مشخص کرد. که در سال ۱۸۷۵ میلادی از نواحی سرزمین‌های آنها بازدید کرده است و مطالبی در مورد آنها نوشت. با این حال، به دلیل بهبود شرایط اجتماعی، تعداد آنها به بیش از چهار برابر، بعد از یک قرن دو

برابر شد (سباهی، ۲۰۰۸: ۲۸). مندائیان عراق بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گروه جهان بودند، از ۷۵۰۰۰ مندائی در سراسر جهان، ۳۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر در عراق بودند و بیشتر در سواحل رودخانه‌های دجله و فرات پراکنده شده‌اند. اما برآوردهای کنونی نشان می‌دهد که تعداد آنها در عراق در دهه نود قرن گذشته به شصت هزار نفر رسیده است که اکثر آنها در دو دهه اخیر به ویژه پس از جنگ ۲۰۰۳م مهاجرت کرده‌اند. و تعداد آنهایی که باقی مانده‌اند، کمتر از ده هزار نفر تخمین زده می‌شوند. در مورد ایران، پیروان دین مندایی بیش از ۲۰۰۰۰ نفر کنونی بودند و خاطر نشان کرد: «بیشتر مندائیان در شهرهای عرب زبان هم مرز با جنوب عراق در شهر اهواز و در جنوب این کشور عرب نشین زندگی می‌کنند. " از این رو، مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه‌ای، طی تحقیقی (۱۹۹۹م) تعداد آنها را در ایران بیست و پنج هزار نفر قبل از قطع ارتباط اهواز که بخشی از جمعیت عراق بودند، ذکر کرده است (خیون، ۲۰۱۵: ۲۹). یعقوب باکلی (۱۹۹۶م) درباره تعداد مندائیان در آبادان گفت: در آبادان فقط دو خانواده زندگی می‌کردند. اما خانواده‌های زیادی در دوران اولیه جنگ جهانی دوم از سربازان انگلیسی زبان، و همچنین آمریکایی‌ها وجود داشتند که در تجارت نفت مشغول بودند و برای خریدن نقره از صابئین به آن شهرها تردد می‌کردند (باکلی، ۱۹۹۶: ۸).

۲-۵. جایگاه صابئین و یحیای پیامبر (علیه السلام) در شعر و ادب فارسی

شاعران ایرانی مانند انوری، عطار نیشابوری، قانع، خاقانی شروانی، ناصر خسرو، نویسنده فراهانی، ملک الشعرای بهار، میرزا محمدتقی و جلال‌الدین مولوی، از طریق اشعار خود به غسل تعمید حضرت یحیی (علیه السلام) با عیسی مسیح (علیه السلام) و ارتباط آنها با یکدیگر اشاره کرده‌اند.

این اعتماد خندان کجاست و ز خوف او معبَس .

مادر یحیی به مریم در نهفت پیش تر از وضع حمل خویش گفت .

که یقین دارم درون تو شهی ست کو اولوالعزم و رسول آگهی ست (جعفری،

۱۳۹۰: ۱۵).

۶-۲. جایگاه صابئین از لحاظ حقوق اساسی ایران

در مورد دوران حکومت پهلوی صابئین در ایران دچار فراموشی و حاشیه نشینی شدند. و شاید بتوان گفت درخشان‌ترین دوران تاریخی صابئین مندائیان خوزستان، دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است (۱۳۵۷ / ۱۹۷۸) آنان احساس آزادی کرده و با دیدن حکم طهارت خود در میان اهل کتاب آن هم در خلال سخنرانی آیت الله خامنه ای در باب جهاد به عنوان بخشی از کاوش های ایشان در آیات، روایات و تحلیل ایشان از دیدگاه های فقهای اسلام که موجب گشودن دریچه ای روشن و صفحه ای جدید به تاریخ صابئین مندائیان در ایران شد (خامنه ای، ۱۴۱۸ : ۲۰).

امروزه اعضای این فرقه، مناسک دینی و فعالیت های اجتماعی خود را در بین جامعه خوزستان در فضایی آزادتر از هر دوره گذشته انجام می دهند. از تعداد صابئین مندائیان در ایران اطلاع دقیقی در دست نیست، اما تعداد آنها در ایران بیشتر از منطقه جنوب عراق است. اهواز امروز مرکز معنوی صابئین مندائیان در ایران است، زیرا که (مندای) معبد صابئین در این شهر قرار دارد و همچنین مرتفع‌ترین معبد صابئین به شمار می رود مندائیان خوزستان دارای شورای حل اختلاف با مجوز دولتی به شماره ۴۴۹ و دفتر ازدواج با مجوز رسمی ۱۱۲ هستند. همچنین با هدف توسعه این فرقه، مجله «بیت مندا» (مجله بیت مندا، ۱۳۸۸ : ۱۰) با مجوز وزارت فرهنگ، خانه فرهنگ علوم و معارف اسلامی منتشر می شود. انجمن زنان (مجله بیت مندا، ۱۳۸۸ : ۱۲) از جمله تشکل های زنانی است که مندائیت اهوازی را اداره می کنند. آنها همچنین در حال حاضر انجمن دیگری به نام «انجمن صابئین مندایی» دارند که ۹ عضو آن برای مدت دو سال انتخاب می شوند و مسئولیت دارند. تشکیل کلاس های معارف دینی، تهیه جزوات داخلی، انتشار کتب دینی در بین اعضای فرقه، آماده سازی زمین های قبرستان، کاشت گونه های درختی و ساخت حوض های آبی در مندی برای مراسم غسل تعمید از جمله کارهای آنها می باشد. امروزه صابئین مندائی ایران یک اقلیت مذهبی هستند که فرزندانشان در جمهوری اسلامی ایران به زندگی دینی و اجتماعی خود می پردازند و خوزستانی ها آنها را به عنوان یک گروه مذهبی می پذیرند که از زندگی با احترام و عزت با آنها استقبال می کنند. صابئین مندائیان در طول هشت سال جنگ ایران و عراق پنج شهید «ناجی

الزهرونی، «یاسین الزهرونی»، «نعیم بهمنی»، «امین جیزان» و «منصور عباده الاهوازی» تقدیم کردند. و این اقلیت نیز شامل شش نفر از جانبازان مجاهد و آزادگان دفاع در باب مقدسات و میهن را تقدیم ایران اسلامی دادند (خبرگزاری مقدس، ۱۳۹۸: ۳۶۳۸۱۰).

۲-۷. آراء فقهای شیعه

طهارت یا نجاست غیر مسلمان یکی از مسائلی است که در طول زمان در میان فقها میدان نبرد آراء و کانون نظریات مختلف است. و اما اکثر فقهای شیعه به ویژه پیشینیان، صابئین را از اهل کتاب نمی دانند و تنها یهودیان و نصارا و مجوس را اهل کتاب می دانند. از سوی دیگر برخی از فقها معتقدند که صابئین اهل کتاب هستند، اما این گروه در اقلیت هستند. شیخ مفید می گوید: فقهای اهل سنت در کفر و عقیده صابئین و اجداد و معاصرانشان به استثنای سه گروه یهود و نصارا و مجوس اختلاف دارند، اما ما از آن فراتر نمی رویم و جزیه را از طرف آنها به چیزی غیر از آنچه بر سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد آنها و تعلیق ذکر شده در احکام بر شمرده واجب نمی کنیم (مفید، ۱۴۱۰: ۲۸۰).

شیخ طوسی نیز می گوید: ادیان دیگر از جمله مشرکان، صابئین و غیر آنها مشمول جزیه نیستند (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۵۷) و همچنین صابئین مالیات از آنها گرفته نمی شود و دین آنها را قبول ندارند (طوسی، ۱۴۰۷: ۵/۵۴۲).

نویسنده جواهر الکلام شیخ محمد حسن نجفی به این نظر تمایل دارد و در نهایت به این نتیجه رسیده است که فقهای ما در این موضوع اتفاق نظر ندارند. زیرا ابن جنید به روایت صاحب جواهر آنها را در زمره منافقان و نظر خود را در حصول اجماع قرار داد. و در جای دیگر ابن جنید نظر خود را پس گرفت و آنها را از اهل کتاب دانست. و از سوی دیگر، فتاوی فقها مبنی بر اینکه جزیه از آنان گرفته نمی شود و مجوس نامیده می شوند و در چنین مواردی اجماع حاصل نمی شود (نجفی، ۱۴۳۰: ۲۱/۲۳۰).

از امام خمینی (قدس سره) و شیخ بهجت نقل شده است: صابئین منسوب به یحیی (علیه السلام) اهل کتاب، نجس هستند (خمینی، ۱۴۰۰: ۱/۶۵، بهجت، ۱۴۱۰: ۵۶، طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۲۵۴). فتوای طهارت صابئین و حضور آنان در میان اهل کتاب توسط آیات عظام تبریزی (تبریزی، بی تا: ۱۰۶). خامنه ای (خامنه ای، بی تا: ۳۲۱). و

فاضل (فاضل، بی تا: ۱۰۶). و سیستانی (سیستانی، بی تا: ۱۰۶). نوری (نوری، بی تا: ۱/۳۸). وحید خراسانی (خراسانی، بی تا: ۱۰۶). فتوا صادر کردند که صابئین اهل کتاب و پاک هستند.

و طبق آیه ۶۲ سوره بقره خراج از اهل کتاب گرفته می شود و بدین ترتیب جنگ و بردگی از آنان برداشته می شود و دین خود را برپا داشته و اجازه دارند در بلاد اسلام در امان باشند. اما احتیاط آن است که مطلقاً ترک شوند و غیر از آنها از کفار خراج گرفته نمی شود و باید دعوت اسلام را بپذیرند و یا کشته شوند و بیش از یک آیه از آیات شریفه بر این امر دلالت دارد. از جمله خداوند متعال می فرماید: ﴿فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ ...﴾ (محمد/۴).

شیخ مکارم شیرازی می گوید: اهل کتاب بودن آنها ثابت نشده است، ولی حسن رابطه با کسی که با اسلام خصومت نداشته باشد خوب است مخصوصاً اگر بخواهد اسلام آورد. خوردن و آشامیدن با آنها برای او اشکال دارد، مگر اینکه لازم باشد. همچنین ایشان در تفسیر نمونه خود می گوید: از مطالب فوق چنین بر می آید که اینان قوم ابراهیم خلیل و پیروان یحیی بن زکریا (علیهم السلام) بوده اند که نصارا به آنها یحیی تعمیم دهنده می گوید (شیرازی، ۱۴۲۱: ۱/۲۵۷). ماه رمضان را روزه می گیرند. در نماز از کعبه استقبال می کنند. مکه را گرمی می دارند. زیارت و حج کعبه را لازم می بینند. مردار و خون و گوشت خوک را حرام می دانند. و از روابط خویشاوندی در ازدواج با محارم، آنچه مسلمانان نهی می کنند، منع می شوند. همچنین در تفسیر آیه ۶۹ سوره مائده اشاره کرده اند: که مؤمنان، مسلمان و یهودی و مسیحی و صابئین هستند، مشروط بر اینکه به اسلام ایمان بیاورند و قبول داشته باشند. و اگر عمل صالح انجام دهند همگی از اهل نجات خواهند بود و گذشته دینی آنان در این جهت اثری ندارد و راه بر همگان باز است (شیرازی، ۱۴۲۱: ۸/۳۷۴).

شیخ محمد جواد مغنیه درباره آنها می گوید: آنها کهن ترین ادیان هستند و خدا و آخرت و برخی از پیامبران را تصدیق می کنند و به تأثیر ستارگان در خیر و شر، سلامتی و بیماری هدایت می شوند (مغنیه، ۱۹۶۸: ۱/۱۱۷).

سید حسین فضل‌الله می‌گوید: اهل کتاب مختص یهود و نصارا نیست، بلکه شامل هر کسی که کتابی آسمانی در اصل داشته باشد، هر چند بعد از آن منحرف شود. به همین دلیل است که برخی مجوس و صابئین را به آنها ملحق نمودند. شاید بهتر باشد که خود را به قدر معین، یعنی یهودیان و مسیحیان محدود کنیم، مخصوصاً در امر ازدواج با زنانشان، اما در نهایت طهارت هر انسانی را لازم می‌بینیم (فضل‌الله، بی تا: ۱۱۲).

سید خوبی در سوره حج آیه ۱۷ و بقره آیه ۶۲ در تدبیر آیات شریفه و صدور حکم آنان، وضع آنها در این حالت شبیه یهودیان و مسیحیان و مجوس است، زیرا در آیه اول و دوم خود را با اهل کتاب شریک می‌دانند و در زمره کسانی قرار می‌گیرند که نزد پروردگارشان اجرشان را خواهند داشت. اگر در دین خود اخلاص داشته باشند و آنچه را که بر عهده آنان است انجام دهند نه ترسی است و نه اندوهگین می‌شوند و به روشنی دلالت بر این دارد که آنها از اهل کتاب و صاحبان ادیان و پیام‌های آسمانی هستند، به ویژه اینکه آنها و یهودیان و مسیحیان و مجوس در آیه ۱۷ سوره حج در مقابل مشرکان قرار گرفته اند (خوبی، ۱۴۱۰: ۲/۱۹۶).

رهبر انقلاب اسلامی می‌گوید: از جمله اعتقادات آنان که مدعی و اصرار بر آن دارند توحید است (خامنه‌ای، ۱۴۱۸: ۴۰). سردرگمی و تناقضات زیادی در تعامل و ارتباط با صابئین رخ داد و مقام معظم رهبری در حکمی بر طهارت صابئین مندائی تأکید نمودند (خیون، ۲۰۰۷: ۳۶).

در عقاید آنها بعضی از اعمال توحیدی صحیح پذیرفته شده است و دسته‌ای از اعمال باطله آنها با عقیده توحیدی منافات دارد (خامنه‌ای، ۱۴۱۸: ۴۲). منظور از اعمال باطله منافی توحید محض، اعتقاد آنان به رهبر بزرگ آنها که منداهی است، درباره او می‌گویند: که او اولین تسبیح و حمد کننده خداوند متعال است و از فرشتگان مقرب اوست. و نام او را در پاره‌ای از بوئات (آیات) با نام خداوند متعال شریک می‌دانند. و او را در کنار توسل فرشتگانی که آنها را با خود نام می‌برند و نزدیکشان می‌کنند، می‌شمارند.

همچنین در عقاید باطله خود نام حضرت آدم پدر بشریت و یحیی (علیهما السلام) را در ردیف فرشتگان قرار می‌دهند. و بر نهرهای مقدس و اماکن مقدسه و حیات و

ساکنان عالم الانوار و غیره سلام می‌کنند. و هنگامی که سوالی از رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای در مورد گروهی از صابئین که در خوزستان سکونت دارند، و تعدادشان زیاد است و ادعا می‌کنند از پیامبر خدا یحیی (علیه السلام) پیروی می‌کنند و می‌گویند کتابش در دسترس ماست. نظرشان درباره آنها چیست؟ آیا برای علمای دین ثابت شده است که آنها صابئین ذکر شده در قرآن و از اهل کتاب هستند یا نه؟، ایشان فرمودند: گروه مذکور از اهل کتاب هستند. و همچنین در نقلی دیگر فرموده اند: بر اساس قرائن قوی و روشن ثابت شده است که صابئین از اهل کتاب هستند (رومی، ۱۳۵۱: ۵۳، خامنه‌ای، مجله فقه اهل البیت ۱۳۷۶: ۴، خامنه‌ای، ۱۳۷۸: ۴۰).

۳. تجزیه و تحلیل آثار در زمینه پیدایش زیست جهان آیینی صابئین

بسیاری از مورخان و محققین به موضوع پیدایش صابئیان و محل پیدایش آنها پرداخته‌اند. ما به مهم‌ترین این پژوهش‌ها اشاره کرده و سپس مقصود و هدف از این مقاله و آنچه که محققین به آن اشاره نکرده‌اند و یا به سادگی از کنار آن گذشته‌اند را بیان می‌کنیم. پاره‌ای از موارد به شرح ذیل می‌باشد؛

شیرالی (۱۳۸۹ ش.) در کتاب «صابئیان واقعی» اشاره می‌کند که مندائیان گروهی از قبایل سامی هستند که ریشه آنها به فلسطین و اطراف رود اردن بازمی‌گردد. اعتقاد بر این است که پس از مهاجرت از آنجا در منطقه بین‌النهرین در جنوب عراق و همچنین در ایران در کنار رودخانه‌های پرآب منطقه یعنی کارون، دجله و فرات ساکن شدند. وی با تأکید بر اینکه حرانیان صابئیان واقعی نیستند، گفت: وطن اصلی آنها حران یا کارای (Carrhae) در شمال بین‌النهرین باستان است و مکان فعلی آن در جنوب ترکیه می‌باشد. عزیز سباهی (۲۰۰۸ م) در کتاب «منشاء صابئه و عقاید دینی آنها» قائل به این بود که فرقه مندایی قبل از ظهور مسیحیت در میان و جنوب بین‌النهرین پدید آمده است. او به دلیل اتکا به منابع خارجی و نوشته‌های خاورشناسان نمی‌تواند مطمئن باشد که صابئیان در بین‌النهرین ظهور کرده‌اند یا از فلسطین آمده‌اند.

محمد عمر حماده (۱۹۹۲م) در کتاب «تاریخ صابئیان مندائی» از طریق نسخ خطی بحرالمیت و فرقه‌های باستانی متعددی که همزمان با صابئیان در زمان باستان زندگی

می‌کردند، به تحقیق درباره تاریخ صابئیان پرداخت. ایشان به تحقیق و تصحیح آنچه در کتب چاپ شده خارجی در مورد این فرقه آمده است، با استناد به کتب قدیمی تاریخی و تدقیق و تحقیق در اندیشه‌های صابئیان و آنچه که مربوط به شرایط و تاریخ آنان است، پرداخت.

همچنین رشدی علیان (۱۹۷۶ م) در کتاب «صابئیان، حرانیان و مندائیان» تحقیقی ارائه کرده است که در آن تحقیق می‌گوید: منبعی نیافت نشد که در منابع دین اولیه، وطن و تحولات و حقیقت دینی آنها بدون وجود تناقض و اختلاف سخن گفته باشد. اما هرکس که در کار آنها دقت کند می‌بیند که آنها به خاستگاهی باستانی بر می‌گردند، زیرا استقلال آنها در زبان دینی و حروف الفبا، در عصر جدید به وجود نیامده است.

عربستانی (۱۳۸۳ ش) نیز در کتاب "تعمیدیان غریب" بر اساس متون تاریخی مندائیان تحقیقی را ارائه کرده است که در آن مبدأ مندائیان را سرزمین فلسطین در نزدیکی اورشلیم دانسته و معتقد است. که آنها به دلیل جنگ در سرزمین‌های خود و بی‌ثباتی سیاسی که در تاریخ گذشته آنها اتفاق افتاده و همچنین آزار و اذیت یهودیان در آن زمان، به طور گسترده مهاجرت کردند و تشکل‌های (Diaspora) را در استرالیا، اروپا و آمریکای شمالی بوجود آوردند. براندت (۱۹۰۶ م) در کتاب خود "دایرةالمعارف یهودی" و تحت عنوان مندائیان، ایده‌های اولیه مندائیان را به دوران پیش از مسیحیت بازمی‌گرداند، اما در مورد منبع یا منابع اولیه‌ای که مندائیان عقاید و آیین‌های خود را از آن استخراج کرده‌اند و اینکه از کجا آمده‌اند، اختلاف نظر وجود دارد.

دروار (۱۹۶۲ م) در کتاب خود «صابئیان مندائی در ایران و عراق» به عنوان بخشی از شرح سنت‌ها و نگاره‌های آیین مندائی اشاره می‌کند که منشأ آنها در بین‌النهرین و کشور عراق است.

رودلف ماتسوخ (۱۹۵۵ م) زبان‌شناس آلمانی با بهره‌گیری از معانی، مفاهیم و قرائت زبان‌شناسان در کتاب (مندائی کلاسیک و مدرن) ذکر کرده است که اصل مندائیان از فلسطین (اردن شرقی) است. علاوه بر این، محقق کورت رودولف (۱۹۶۶ پس از میلاد) هنگام مطالعه آنان از منظر فلسفی، عرفانی و هستی‌شناختی بر اساس خاستگاه نگاره‌های

اولیه مندایی در کتاب «مشکلات تاریخ توسعه دین مندایی» با پذیرش نظریه منشأ غربی به آن معتقد است.

۴. نظر مورخان و محققین در مورد خاستگاه صابئیان و سرزمین اصلی آنها

مورخان و محققین در تعیین سرزمین صابئین مندائی اختلاف نظر داشتند و نظرات آنها به چند بخش تقسیم شد:

۴-۱. نظریه اول

برخی از مورخان بر این باورند که وطن آنها در منطقه دریای مرده در فلسطین یا ماوراءالنهر بوده است، زیرا در آبهای آن آئین تعمیر به نام «مصبتین» را اجرا می‌کردند (السباهی، ۱۹۹۶: ۳۳). آنچه این دیدگاه را تأیید می‌کند اسناد باستانی مندایی است که در ابتدای دهه پنجاه قرن بیستم در بحرالمیت پیدا شده و به آنها (نسخ خطی بحرالمیت) گفته می‌شود که حضور آنها در فلسطین را تأیید می‌کند (المدنی، ۲۰۱۸: ۱۸۹-۱۸۸). همچنین طبری از روایت بیرونی در مورد مهاجرت تعدادی از صابئیان از فلسطین به بین النهرین حمایت می‌کند و به روایتی تاریخی که وی درباره کشته شدن بختنصر و اسارت تعداد زیادی از صابئیان در فلسطین در جریان حمله به بیت المقدس نقل شده استناد می‌کند (بیرونی، ۱۳۸۰: ۴۰۷؛ الطبری، ۱/۳۱۶). مورخان دیگر نیز به حضور دانیال نبی و دیگر انبیای صابئیان در میان این اسیران اشاره می‌کنند (الرازی، ۱۹۹۹: ۸۲-۱/۳).

ماکوک و ماتسوخ، زبان شناس آلمانی، تائید و تأکید کردند که مهاجرت مندائیان از دره اردن به ارتفاعات مدان در زمان پادشاهی اردوان سوم رخ داده است (رودولف، ۱۹۳۸: ۹۲). برخی دیگر بر این باورند که این امر در دوره کوتاه پادشاهی اردوان چهارم که تنها چهار ماه به طول انجامید روی داده است، وی همچنین یادآور شده است که مهاجرت مندائیان در زمان اردوان پنجم و قبل از پایان دوره شاهنشاهی اشکانی در حدود قرن اول پس از میلاد صورت گرفته است. که در آن مندائیان پس از آزار و اذیتی که در حدود دو هزار سال پیش توسط یهودیان و اقتدار موقت آنها در فلسطین به آن دچار شده بودند از اورشلیم (بیت المقدس) کوچ کرده به شهر حران مهاجرت کردند (دیوان حران کویتا، ۲۰۰۳: ۷).

محقق عبدالحمید افندی عبادی می‌گوید که مندائیان پس از نبردهای سنگین با مردم شهر حران به طور مادی یا کوه میدیا گریختند و همانطور که مندائیان آن را (طور آد مدای) می‌نامیدند و حدود یک سال در آن زندگی کردند. در حالی که بخشی از محققین بر این عقیده بودند که این آزار و اذیت مندائیان و علت مهاجرت آنان نه از سوی یهودیان، بلکه توسط تعدادی از مسیحیان متعصب بوده است که پس از رسمیت یافتن مسیحیت به عنوان دین رسمی امپراتوری روم در قرن دوم پس از میلاد، تحت نظارت مقامات بیزانسی و به این دلیل که در دین مسیحیت مندائیان به عنوان مرتد شناخته می‌شدند، صورت گرفته است. و این همان چیزی است که در اکتشافات شهر نجع حمادی در مصر که در آن طومارهایی یافت شد که در مورد اعتقادات فرقه‌هایی صحبت می‌کرد که در غارهای نزدیک بحر المیت زندگی می‌کردند یافت شد، به طوری که در یکی از دست نوشته‌ها آمده بود که یوحنا تعمید دهنده پیش بینی کرده بود که کسی که پس از او خواهد آمد با مجازات آتش حکمرانی خواهد کرد (حماده، ۱۹۹۲: ۶۷).

۴-۱-۱. اثبات نظر اول از منظر زبانی و با توجه به آنچه در کتب آسمانی آمده است برخی از محققین خاستگاه صابئیان را از فلسطین می‌دانند و معمولاً آن را به دلیل قدیمی بودن زبان مذهبی آنها و گویش مندعی (نیاندایی). با گنوسیزم مرتبط می‌دانند (Buckley, 2002 AD: 72) و آن همان (مدعا) در گویش آرامی بوده و معنای آن معرفت می‌باشد و با توجه به اینکه آنان طایفه‌ای از قوم آرامی بوده‌اند، وجه تسمیه صاحبان آن به صابئیان یا مندعین (مندائین) همین علت می‌تواند باشد (جفری، ۱۹۸۳: ۱۹۲-۱۹۱). گو آنکه در آن زمان، زبان غالب در فلسطین همین لغت بوده است (مجله المقتطف، ۱۹۴۹: ۱/۱۱۵؛ المدنی، ۲۰۱۸: ۲۳-۲۴). همچنین آنچه که در تعبیر کلمه «شبا» به معنای «سبأ»، یک واژه عبری در عهد عتیق، به معنای سرزمین سبأ در یمن و به سرزمین ملکه بلقیس اشاره دارد را می‌توان به آن اضافه کرد (هاکس، ۱۳۴۹: ۵۱۴). در نزد صابئیان از نهرهای آب روان به «یردنه» یا همان «یردانا» تعبیر می‌گردد و این واژه از رود اردن و مکان‌های اصلی آنها در فلسطین آمده است و وجود این نام در زبان و مذهب صابئیان تصادفی نمی‌تواند باشد (شیرالی، ۱۳۸۹: ۳۳ و ۳۴). از طرفی در کتب مقدس دینی آنها از بناهای مقدس یا اماکنی مانند کرمل که در فلسطین قرار دارد نام برده شده است که

بی شک این نامها بدون دلیل در این کتب قدیمی نیامده است و ممکن است به محل اصلی و خاطرات این فرقه در این مکانها مذهبی اشاره دارد (المدنی، ۲۰۱۸: ۱۸۹-۱۸۸). برخی از نویسندگان بر اساس داستانی که پادشاه عرب در رویارویی با کاهن اعظم آنان «دثقا» اظهار داشت که آنها از اهل کتاب هستند و گرفتن جزیه از آنها واجب بوده تا اینکه با مسلمانان همزیستی داشته باشند، معتقدند که آنها از فلسطین به سرزمین کنونی خود در عراق از حران مهاجرت کرده‌اند (اللیدی در آور، ۱۹۶۲: ۱۵).

در قرآن کریم (سوره مریم/۱۲-۷؛ انبیاء/۸۸؛ انعام/۸۴) و انجیل (انجیل لوقا، بی تا، اصحاح اول: ص ۸۹) و کتب مقدس صابئیان در مورد حضرت یحیی آمده است. همانطور که در کتب مقدس آنها (حران کوینا) و (دراشه ادیهیا) آمده است. صابئیان بر این باورند که حضرت یحیی بن زکریا (علیه السلام) یکی از فرستادگان خداوند و آخرین پیامبر آنان است که شالوده نهایی مذهب مندائی را بنا نهاده و با ناصری‌های اصیل رابطه واقعی دارد (مجله المشرق، ۱۹۰۱: ۵). و همانطور که می دانیم حضرت یحیی و پیروانش در فلسطین جمع شده و در این کشور کشته شده است. حضرت یحیی بنیانگذار مذهب صابئیان نبوده بلکه برای تکمیل دین کهن و حفظ اصول آن آمده بود و آنچه را که آفریدگار به او دستور داده به آن اضافه کرد و آن را به آنچه اکنون هست تبدیل کرد. همانگونه که برخی منابع یهودی نیز از عدول حضرت مریم (سلام الله علیها) از یهودیت به صابئیت حکایت دارد (اف. ام. سی. غراث، ۲۰۱۰: ۸). و چون عیسی (ع) و یحیی تعمید دهنده با هم معاصر بودند، می توان نتیجه گرفت که صابئیان و عقاید آنها قبل از تولد یحیی (علیه السلام) در فلسطین وجود داشته است. همچنین از صابئیان در تورات با نام سبا در منطقه عین کرم در فلسطین که به زادگاه حضرت یحیی (ع) مربوط است و دارای چندین کلیسا اختصاصی و محلی و همچنین محلی برای تعمید در آب وجود دارد، ذکر شده است (کوندوز، ۱۹۹۶: ۸۵).

همچنین در حدیث دوازدهم از احادیث یحیی علیه السلام آمده است که هنگامی که عیسی بن مریم سلام الله علیها به ساحل رود اردن آمد و از یحیی خواست که او را غسل تعمید دهد و به او گفت: یحیی! من را به رنگ خود درآور و نامی را که به من می

گویی تلفظ کن و من این عمل تو را در سندی ذکر خواهم کرد و اگر شاگردی ننمودم نامم را از دفترت پاک کن (درآشۀ ادیپها، ۲۰۰۱: ۸۳).

برخی از متون مقدس صابئیان مندایی مانند حران کویتا، کتاب کنزاربا و تعالیم یحیی اشاره‌های صریحی وجود دارد که به شکل خاصی بر قدس تمرکز داشته که نشان دهنده وابستگی مندائیان به این شهر بوده و یادآور وقایعی است که در آن رخ داده است (کنزاربا راست، بی تا: البوئۀ ۲؛ دیوان حران کویتا، بی تا؛ مجلۀ المقتطف، ۱۹۴۹: ۱/۱۱۵)، همه اینها ما را به اعتراف به اینکه فلسطین جایگاه اصلی آنها بوده، فرامی خواند. از جمله اینکه اورشلیم پس از طوفان نوح (علیه السلام) ساخته شد، و اینکه محل بعثت سید و شصت پیامبر بوده، و زکریا و همسرش از جایگاه والائی در آن برخوردار بودند. و اینکه حضرت یحیی (علیه السلام) آخرین پیامبر صابئیان در آنجا به دنیا آمد و سرانجام اینکه در کنار رود اردن با عیسی مسیح (علیه السلام) ملاقات کرد (مجلۀ بیت مندا، ۱۳۹۰: ۵).

در آن زمان علاوه بر صاحبان ادیان بت پرستی و توحیدی کهن، فرقه‌های زیادی در فلسطین زندگی می‌کردند که ما را در رسیدن به حقیقت در مورد منشأ صابئیان یاری می‌کنند. مانند صدوقیان، ربانیان، سامریان، فریسیان، قرائیان و اسنی‌ها در آن زمان وجود داشتند و این فرقه‌ها بیشتر شبیه صابئیان بودند. مردم فرقه اسنی‌ها به فضیلت مطلق اعتقاد دارند، خود را با آب پاک غسل می‌دهند، لباس سفید می‌پوشند، به جنگ اعتقاد ندارند و عقاید پنهانی خود را از مردم دور می‌دارند و مرگ را بر حیات ترجیح داده و جاودانگی را برای روح می‌دانند نه جسم (العابدی، ۱۹۶۸: ۷۲، ۱۶۲، ۱۶۵، ۲۶۴، ۲۵۷، ۲۵۶، ۳۱۶).

این فرقه از عموم پیروان دین یهود جدا شد و رویکردی متفاوت در پیش گرفت (حماده، ۱۹۹۲: ۵۲-۴۷). از سوی دیگر، نسخ خطی بحر المیت، که بین سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۵۶ آشکار شد، جستجو برای یافتن قومی بیشتر شبیه صابئیان را برانگیخت. بیشتر این نسخ خطی که به زبان عبری نوشته شده و حاوی نسخه‌هایی از عهد عتیق است، تأکید می‌نماید که این نسخ‌ها از اسنی‌هایی است که حضرت یحیی (علیه السلام) یکی از علمای آنها بود. همانطور که آمده است حضرت زکریا (علیه السلام) که یهودی بود، فرزند خود را برای فراگیری اصول آنان به نزد این فرقه فرستاد و در آنجا به «یوحنا ی

تعمید دهنده» معروف شد. و شرط او بعد از تشکیل جمهور آسنی این بود که اگر فردی تا حد مرگ شکنجه شود نباید اسرار جماعت خود را افشا کند، به همین دلیل است که این دعوت گروهی از عقاید جدید را تشکیل داد که در بسیاری از افکار با عقاید یهودیت تفاوت دارند (حماده، ۱۹۹۲ : ۶۴-۶۱).

۴-۲. نظریه دوم

طرفداران این نظریه معتقدند که آنها ساکنان بین النهرین باستان هستند و بسیاری از اساطیر بابلی را به ارث برده‌اند، اما به دلیل قرار گرفتن در کنار یهودیان ساکن در بین النهرین از یهودیت متأثر گشته، و از طریق تماس با نسطوریان مسیحی تحت تأثیر مسیحیت قرار گرفتند. رهبری این گرایش را (اوکراینی) روسی تبار در اواسط قرن نوزدهم به عهده گرفت (یاماوجی، ۱۹۷۰ : ۱۰-۹). محققان به این نتیجه رسیدند که خاستگاه مندائیان کشور بین النهرین است. شواهد باستان‌شناسی مندایی یافت شده که به خط مندائی نیز نوشته شده است و قدیمی‌ترین آنها به نیمه دوم قرن سوم میلادی باز می‌گردد، هیچ نشانه‌ای از اینکه منشأ مندائیان از فلسطین آمده‌اند، نبود (المدنی، ۲۰۱۸ : ۲۶۲). برخی از متخصصان کتب ادیان باستانی و ریشه آنها به آداب و رسوم مشترک بین بابلی‌ها و مندائیان تکیه نموده و بر این اساس معتقدند که منشأ آنها از بابل است. (أوریم، ۱۹۳۸ : ۵) ذکر شده است که صابئیان مندائی قوم آرامی باستانی هستند که زبانشان آرامی شرقی سریانی است که زبان مندایی نامیده می‌شود و منشأ آنها از بین النهرین است. (صبحی مبارک، ۲۰۰۷) محقق انگلیسی، خانم آریکس هانترا، در ادامه تأکید کرد که آیین مندایی محصول بین النهرین است و نه از فلسطین. آنجا که می‌گوید: من با علمایی که می‌گویند منشأ آن فلسطین است مخالفم و من می‌گویم آئین مندائی از عراق سرچشمه گرفته است (مکلف، ۲۰۱۱، ۱۷).

۴-۳. نظریه سوم

گفته می‌شود که مندائیان از جزیره سرنديب (سیلان کنونی در هند) آمدند، زیرا از طریق کشتی سام بن نوح به عراق رسیدند. و سرنديب در افسانه اعراب نام کوهی است که آدم

بر آن نازل شد و رابط بین آسمان و زمین است (عجینه، ۱۹۹۴، ۲۴۳). و آنچه مندائیان را با آن راویت پیوند می‌دهد، حضور حضرت آدم، نخستین پیامبرشان است و آنچه بر آن می‌افزایند این است که کشتی سام فرزند نوح آنها را به وطن کنونی برده است. (خیون، ۲۰۰۷: ۵۳-۵۲). برخی از مفسران درباره پیدایش مذهب صابئیان می‌گویند که اولین پیامبر صابئیان یوذاسیف بود و یک سال پس از سلطنت طهمورث در سرزمین هند ظهور کرد (آلوسی، ۲۰۱۲: ۱۷/۱۲۹). و خط پارسی را به وجود آورد و به دین صابئیان فرا خواند و بسیاری از او پیروی کردند، پادشاهان بشیدادی و برخی از پادشاهان کیانی که در بلخ سکنی گزیده بودند، افلاک و آتش و قوای عناصر را تقدیس می‌کردند تا زمانی که زرتشت در حالی که سی سال از پادشاهی باشتسف گذشته بود ظهور کرد (طباطبائی، ۱۹۹۷: ۱/۱۹۴). و بقایای صابئیان در حران که به آنها حرانیه می‌گویند و گفته شده که منسوب به هاران فرزند تارح برادر ابراهیم علیه السلام می‌باشد و او از پیشوایان و سرسخت ترین آنها در دین و پایبندترین به آن بود. و می‌گفتند ابراهیم علیه السلام از حکمشان خارج شد. زیرا در پوست ختنه گاه خود جدام داشت و هر کسی که این بیماری را داشته باشد نجس است و با او مخالطه نمی‌کردند. و وارد بتخانه‌ای از بتخانه‌ها شد و صدایی از بتی شنید که به او می‌گفت: ای ابراهیم، ما را با یک عیب رها کردی و با دو عیب آمدی بیرون برو و به سوی ما بازنگرد، پس خشم او را برآن داشت که آنها را خرد کند. و همه را رها کرد، سپس از کرده خود پشیمان شد و خواست پسرش را برای سیاره مشتری ذبح کند، چنانکه بر حسب عادت فرزندان خود را ذبح می‌کردند. هنگامی که سیاره مشتری از حقیقت توبه وی آگاه شد، قوچی را قربانی او کرد (مکارم الشیرازی، ۱۴۲۱، ۱/۲۵۶؛ طباطبائی، ۱۹۹۷: ۱۹۴-۱/۱۹۳). و اینکه صابئیان به آن خوانده شده‌اند، زیرا قبل از ظهور شریعت و ظهور یوذاسیف مردم شمیمی و ساکنان شرق زمین، بت پرست بوده‌اند و بقایای آنها هنوز در هند و چین و قفقاز (سرزمین ترکها) وجود دارند. مردم خراسان آنها را شمنان می‌نامند. و آثار باستانی و ادویه جات و بت‌ها و سفال‌های آنها در حومه خراسان که متصل به هند است نمایان است (طباطبائی، ۱۹۹۷: ۱۹۶-۱/۱۹۰). به نظر می‌رسد که این نظریه‌ها حول محور مبدأ صابئیان حران است که ستارگان و سیارات را به جای خداوند متعال می‌پرستیدند، نه

صابئیان مندایی که خدای متعال را تکریم و تسبیح می‌کنند. این نظریه از ساخته‌های دروغین تاریخ است و قابل پذیرش نیست. و هنگامی که به شکل صحیح مطرح و مورد مناقشه قرار می‌گیرد، مردود می‌شود و عقلای عالم آن را قبول نمی‌کنند. خصوصاً آنچه که در مورد شخصیت ابراهیم خلیل علیه السلام گفته شد از مجعولات دروغینی است که در برابر واقعیت دوام نمی‌آورد چرا که این شخص به توحید و اخلاص و میزان ایمان و یقین به خالق قادر و متعال خود معروف بود. به جز تشابه کوچکی بین رسوم و سنت‌های هندی‌ها و صابئیان، هیچ فصل مشترک یا توافق هماهنگی وجود ندارد و هیچ اشاره‌ای به کشورهای هند، رودخانه‌های گنگ و سند و بقیه کشورهای باستانی هند وجود ندارد.

۴-۴. نظریه چهارم

لئوی (Lewy) قوم شناس یهودی بر این باور بود که صابئیان در منطقه تیما در شمال حجاز زندگی می‌کردند و نظریه ایشان با توجه به اینکه ذکر آنها در فصل بیست و پنجم پیدایش در کتاب مقدس (عهد جدید) به نام سبا ذکر شده است قوت می‌گیرد. همچنین نسب آنها به ابراهیم (علیه السلام) از همسرش قطوره بر می‌گردد (لیوی، ۱۹۶۸: ۱۹۴۷-۱۹۴۶). ایشان در خصوص این عقیده هیچگونه توضیحی نمی‌دهد. اما بعید به نظر می‌رسد که وطن اصلی صابئیان مندائی در شمال حجاز بوده باشد، زیرا این منطقه کم آب می‌باشد (الحموی، ۱۹۹۸: ۲/۴۷۱). چنانکه در مورد صابئیان مندایی مشهور است که با توجه به اینکه آب را به عنوان یکی از بخش‌های تعمید که رکنی از ارکان اصلی آئین آنهاست مقدس می‌شمارند، در کنار رودخانه‌ها زندگی می‌کنند.

۴-۵. نظریه پنجم

داستان افسانه‌ای مندائیان و آنچه در طومار حران کویتا آمده است به ما می‌گوید که این مردم از مصر به بیت المقدس آمده‌اند (دراور، ۱۹۶۲: ۲۶۳-۲۴۹). اما مدت اقامت آنها در مصر، نحوه زندگی و نحوه اختلاط آنها با جوامع یهودی ذکر نشده است. مراسم عاشوری باستانی به یاد غرق شدگان در طوفان نوح و سپس مندائیان که به مصر مهاجرت کردند، نشان دهنده تعلق آنها به مصر است. مندائیان معتقدند که روح خدای تکوینی یهودیان است و موسی با عصای جادوی خود دریا را به دو نیم کرد، پیروانش

در دریا گذشتند و فرعون و یارانش در دریا غرق شدند. به همین مناسبت هر ساله غذای مخصوصی به نام لوفانی^۱ بین مندائیان توزیع می‌شود تا مصریان غرق شده در دریا مورد آمرزش قرار گیرند. بر اساس اساطیر مندایی، مصریان بر خلاف فراعنه به آیین مندایی وفادار بودند (دراور، ۱۹۷۳: ۲۶). گذشته از این روایت‌ها، مندائیان هیچ خاطره‌ای از فرهنگ و تمدن مصر ندارند. علاوه بر این، منابع در طول تاریخ به درگیری دائمی با همسایگان خود یعنی جامعه کلیمان مصر اشاره می‌کنند. و اگر منابعی وجود دارد که به منشأ صابئیان یا سرزمین آنها در مصر اشاره می‌کند، به دلیل خصومت تاریخی که بین آنها وجود داشته و این امر ناشی از جنبه منفی مقابله با آنها و اتخاذ موضع شدید علیه آنها است. از سوی دیگر، مندائی نسبت به کلیمیت و بنی اسرائیل نگرش منفی دارند و این همان چیزی است که در کتب مقدس آنها به وضوح می‌بینیم (ماتسوخ، ۱۳۳۹: ۳۶-۲۳؛ دیوان حران کویتا، بی تا).

۵. گسترش صابئیان از فلسطین به سایر کشورها

۵-۱. صابئیان مندائی در بین النهرین

هجرت صابئیان مندائی از فلسطین به بین النهرین بنا به ترکیبی از عوامل داخلی و خارجی رخ داد (قیم، ۱۴۳۳: ۵). حملات قدرت‌های خارجی به اورشلیم که اولین آنها حمله بختنصر (نبوخذ نصر) و تخلیه مردم فلسطین به بین النهرین در قرن ششم قبل از میلاد بود (الیعقوبی، بی تا: ۷۷۸؛ ابن العبری، ۱۹۹۲: ۵۶ و ۹۱؛ الطبری، ۱۹۶۶: ۱/۳۲۱). به طوری که گروهی از صابئیان مندایی از بیت المقدس به بابل تبعید شدند. حمله دوم به اورشلیم توسط تیتوس و به دستور پدرش سزار روم، و سپاسیان در سال ۷۰ میلادی صورت گرفت (ابن العبری، ۱۹۹۲: ۹۱). در مورد عوامل داخلی مهاجرت صابئیان مندائی، اولاً به دلیل آزار و اذیت آنها به عنوان پیروان «یوحنا ی تعمید دهنده» یعنی حضرت یحیی (علیه السلام) شصت سال پس از کشته شدن ایشان است. با صرف نظر از عذاب الهی که بر کلیم‌ها وارد شد و آنها را نابود کرد ولی بین النهرین مکان خوبی برای مندائیان بود. بر اساس گزارش‌های شفاهی موجود در میان مندائیان، آنها توانستند ۴۰۰

1. Lufani

مندی را برای عبادت در بین النهرین بسازند و گسترش دهند (عربستانی، ۱۳۸۷ : ۲۱-۲۰).

۲-۵. صابئیان مندائی در مصر

مصر به نام مصر بن بیصر یکی از نوادگان حضرت نوح (علیه السلام) نامگذاری شده است. و اهل آن صابئی بودند. سپس رومیان وقتی آن را تصرف کردند، آن‌ها را به مسیحیت وا داشتند همانطور که خود پس از صابئیت آن را در آغوش گرفتند. آن‌ها همچنین کشورهای دیگر همسایه خود را مانند جالاقا، اسلاوها، روس‌ها، قبطی‌ها و حبشی‌ها، مجبور به پذیرش دین مسیحیت نمودند و همگی به مسیحیت گرویده و از دین صابئیت دست کشیدند. (ابن خلدون، بی تا، ۱/۱۱۶). چنانکه برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد، پس از تولد حضرت ادریس (علیه السلام) در «ادفور و ممفیس» مصر که مصریان او را «إخنوخ یا هرمس» می‌خواندند، و منابعی وجود دارد که نشان می‌دهد او در بابل متولد شده است که احتمال آن بیشتر است و از آنجا با پیروان خود به مصر مهاجرت کرد. او حامل عقاید توحیدی بود که از اجدادش شیث و آدم به او رسیده بود. و این عقیده گسترش یافت و بعدها پیروانی که به آنها صابئه می‌گویند، پیدا کرد. شاید این نام «صابئه» نسبت به نوه وی «صابیء» فرزند متوشلخ پسر ادریس باشد.

۳-۵. صابئیان مندائی در ایران

پس از فتح سرزمین بابل توسط کوروش (۵۳۹ ق.م) زمینه مناسبی برای مندائیان فراهم شد تا با ورود به کشور ایران به حیات درونی خود در مرزهای سیاسی ایران ادامه دهند. دین صابئیان نیز تحت تأثیر فرقه‌های (زرتشتی، مزدکی و مانوی) و همچنین یهودیت در نواحی جنوبی بین النهرین بود (بیرونی، ۱۳۸۰ : ۳۱۸). و در عقایدش و نفوذ ادیان دیگر مورد دستگیری و ساده انگاری قرار گرفته است. گاهی مندائیان وابستگی خود را به کشور «مدایی یا مادای» آشکار می‌کنند و ممکن است کشور ایران باشد (دراور، ۱۹۶۲ : ۲۶۱). اما به دلیل عدم مکان یابی دقیق آنان و از بین رفتن پیوند نامگذاری دو کلمه مندائی به مادای، این نظریه از سوی محققان و پژوهشگران در زمینه مندائیان و مذهب آنان همچنین در مطالعات تاریخ ادیان و زبان شناسان رد شده است. بر اساس روایات شفاهی و متون مقدس مندائیان، ورود آنها به سرزمین‌های خوزستان و استقرار آنها در

حاشیه رودخانه کرخه در عهد اشراقی و از آن دوران بوده است. زندگی اجتماعی و مذهبی آن‌ها در خوزستان پستی و بلندی‌های و پیچ و خم‌های بسیاری را طی نمود. به همین ترتیب، در سایر نقاط عربستان سعودی از جمله سواحل حجاز و یمن و بیشتر در سواحل خلیج فارس از قدیم الایام می‌توان انتظار حضور سایر افراد یا گروه‌های صابئنی را داشت (عربستانی، ۱۳۸۳: ۳۲-۳۰).

به نظر می‌رسد که صابئیان در محمره (خرمشهر) در طول دوران امارت بنی کعب به عنوان اقلیت کوچکی به حیات اجتماعی و مذهبی خود ادامه دادند (الأنصاری، ۱۳۷۷: ۳۱).

۴-۵. از عراق به سایر سرزمین‌ها

صابئیان در طول تاریخ طولانی خود از انواع آزار و اذیت که از دوران روم آغاز شده و تا کنون نیز ادامه دارد رنج کشیده و هیچ کشوری جز عراق دین آنها را به رسمیت نشناخته است. آن‌ها با وجود اینکه در دوران حکومت بعثی صدام حسین رئیس‌جمهور عراق و دوره پس از حمله آمریکا به بغداد با هیچ تهدید یا آزار مذهبی مواجه نشدند، اما از انزوا رنج می‌بردند. به طوری که هرچند تعداد آنها در آن زمان به صد هزار نفر نزدیک شده بود ولیکن به جز یک کرسی در مجلسی که پس از حمله عراق تأسیس شده بود، هیچ منصب دولتی به دست نیاوردند. پس از ظهور سازمان‌های تروریستی و گسترش افراط‌گرایی مذهبی در دوران پس از تهاجم، مندائیان مجبور به فرار از سرزمین اصلی خود در نزدیکی رودخانه‌های دجله و فرات به شهرهای کرکوک، اربیل و سایر استان‌ها شده و برخی از آنها به طور کلی مجبور به ترک عراق و مهاجرات به سایر نقاط جهان از جمله ایران شدند.

نتیجه‌گیری

با توجه به قرائن مشهور و نشانه‌های فراوان مانند ظهور اکثر پیامبران در بیت‌المقدس و سرزمین‌های شامات که در این زمینه ذکر شده است، موطن صابئیان و خاستگاه اصلی آنها فلسطین، یعنی بیت‌المقدس رود اردن می‌باشد. بنابراین، نظریه منشأ غربی، طبق نتیجه‌گیری ما، از نظریه خاستگاه شرقی یعنی بین‌النهرین و سرزمین عراق محتمل‌تر است. زیرا همانطور که خواننده محترم می‌داند، اگر نظریه‌ای وجود دارد که به کشور

عراق گرایش داشته باشد، به علت آن است که این سرزمین‌ها در طول تاریخ گروه زیادی از مردم بر اساس تعدد قومیت‌ها و احزاب و سایر ادیان از جمله صابئیان را در خاک خود شامل می‌شد، و این تنها به دلیل خاک حاصلخیز، آب و هوای مساعد و پاک و کثرت کسانی که بدانجا هجرت می‌کردند بوده است. اما با وجود همه اینها، این قول نه تنها در میان ما نظر صحیحی است، بلکه می‌گوییم حضور صابئیان مندائی در شام، مانند فلسطین، بیت المقدس، رود اردن صحیح‌ترین است. و آن هم از این جهت است که زادگاه پیامبر خدا یحیی علیه السلام که در حدود ۶ یا ۷ ق.م در آنجا بوده است. او آخرین پیامبر صابئیان مندایی است که در کتاب آسمانی آنها (دراشا ادیهیا) یعنی تعالیم یحیی بن زکریا، دسته‌ای از سرودها و متونی که در مورد تولد و تربیت حضرت یحیی (علیه السلام) صحبت می‌کند، ذکر شده است. به همین ترتیب، غالباً می‌بینیم که صابئیان این شخصیت را تجلیل می‌کنند و مدیون او هستند و در عین حال اشاره می‌کنند که او بود که پیامبر خدا عیسی مسیح (ع) را در آنجا غسل تعمید داد. و اگر صابئیان در بین النهرین، خاستگاه شعوب و مهد تمدن‌ها حضور داشتند، این امر پس از خروج آنان از فلسطین صورت گرفته است، همچنین مهاجرت آنان به سایر نقاط جهان و از آنجا به کشور ایران بوده است.

و نظریه‌هایی که به حضور صابئین در سه مکان دیگر مانند مصر و سرن‌دیب (سیلان هند) و تیما در شمال عربستان اشاره دارد، همه اینها احتمالات ضعیف و سست بوده و از نظر ذهنی به طور کلی رد می‌شود و گاه صرفاً به عنوان موضوعی کم اهمیت در نظر گرفته می‌شود، نه بیشتر. مثلاً در مورد آنچه در مورد پیدایش صابئیان گفته می‌شود که اصل آن به هند بر می‌گردد، این قول شباهت زیادی به افسانه و خرافات دارد. به طوری که یک شخص به آنجا رفته و ادعای نبوت می‌نماید و سپس به سایر نقاط کشور بازگشته و اندیشه صابئیان را در آنجا منتشر کرد تا به چین رسید. همچنین هیچ نشانه محکم و معتبری دال بر وجود فرزندان آدم علیه السلام که صابئیان نبوت آنها را قبول دارند در آن سرزمین‌ها وجود ندارد. همچنین این نام یعنی سرن‌دیب تا به امروز نزد صابئیان بزرگ ناشناخته و مغفول مانده است. علاوه بر همه اینها، هیچ اثری از صابئیان ساکن در شرق فلات ایران نمی‌بینیم.

و نظریه‌ای که در مورد مصر صحبت می‌کند، این نظریه نیز مردود است. گواه این ادعا این است که وقتی با استاد راهنما و جمعی از دوستان در حال مطالعه در مورد این دین بودم، در اهواز با رئیس و بزرگ صابئیان مندائی (کنزورا نجاح الجیلی) آشنا شدم. و از او درباره اصل و منشأ آن‌ها پرسیدم که آیا از مصر بوده یا از سایر کشورها؟ ملاحظه گردید که ایشان این موضوع را کاملاً رد می‌کند. علاوه بر این، در طول تاریخ دائماً درگیری و نزاع بین صابئیان و مصریان وجود داشته و این امر این نظریه که آنها در کنار مصریان نشأت گرفته و زندگی می‌کردند و اینکه اصل صابئیان به آنها بر می‌گردد را به طور کلی رد می‌کند. و اما تیما در شمال عربستان که برخی از مورخان بازگشت آنها را به آن کشور نسبت داده‌اند، این قول را نیز می‌توان رد کرد. و آن به دلیل کم آبی آنجاست. تا آنجا که هر رهگذری که مسیرش به سرزمین حجاز خورده از دور این معنا را لمس و درک می‌کند. آنچه این نظر را باطل می‌کند این است که عمل اصلی و نسبتاً واجب که صابئیان آن را از ارکان ضروری می‌دانند، غسل تعمید است که باید در کنار نهرها انجام شود و جای دیگری برای آن وجود ندارد. و به دلیل اهمیت موضوع تا به دانجا پیش رفته که، صابئیان مندائی که به کشورهای غربی از جمله نیویورک مهاجرت کردند، مراسم غسل تعمید را در آنجا برگزار نموده و هرگز از آن جدا نشدند. در مجموع، از هر کجا که ظاهر شده باشند، اما با وجود انزوا، در تعامل دائمی با جوامعی که آنها را احاطه کرده بودند، باقی ماندند. همانطور که کسانی که با آنها در تماس بودند تحت تأثیر افکارشان قرار گرفتند، آن‌ها نیز با وجود تمام اقدامات احتیاطی که برای دفع این تأثیرات انجام می‌دادند، تحت تأثیر اعتقادات مردم اطراف خود قرار گرفتند. به هر حال از این نظریات و دیدگاهها نتیجه می‌گیریم که عقاید و آراء دلالت بر این مطلب دارد که صابئینی که در قرآن نامشان آمده است :

اولاً : از اهل کتاب هستند ولی به مرور زمان به دلیل مجاورت با صابئین حرانی از حق منحرف شده و شروع به پرستش سیارات کرده اند.

ثانیا : آنها را آمیخته ای از ادیان آسمانی همچون یهود و نصارا و مجوس به حساب آورده است .

ثالثا : آنان را اهل کتاب ندانسته است .

رابعا: بر خلاف آن نظریات دلالت دارد و صابئین مندائی را از اهل کتاب دانسته و آنها کسانی هستند که خداوند متعال در کتاب حکیم خود، قرآن مجید، از طریق آیات سه گانه از آنها یاد کرده است.

و گواه این مطلب دو آیه (بقره ۶۲ و مائده ۶۹) می باشد که برداشت ما حاکی از این مطلب است:

الف: اعتقاد آنها شامل ایمان به خدا و روز قیامت است و اگر عقیده و آیین باطلی داشتند، خدای متعال آنان را در ردیف موحدان قرار نمی داد و یادی از آنها نمی کرد.

ب: هر کس از آنان به خدا و روز قیامت ایمان آورد و آن را با عمل صالح جمع کند، از اهل نجات است و این نشانه صحت این دین و نازل شدن آن از سوی خداوند متعال می باشد.

ج: این سه دین مستقل از یکدیگرند، چنانچه از نام و اوصاف آنها پیداست، قابل مبادله با یکدیگر نیستند. ممکن است در برخی آیات خداوند ذکر صابئین را از جهت ذکر خاص پس از عام، استثناء کند، یا ذکر آنها را بعد از یهودیان در یک آیه و یا بعد از نصاری در آیه دیگر ذکر کند. همچنین ظهور آیه ۱۷ سوره حج صابئین را اهل فرقه ای غیر از فرقه مشرکان دانسته و دین آنها در ردیف ادیان آسمانی ذکر شده است، نه اینکه آن انسان بریده از سایر ادیان باشد. لذا برخی از نامداران این عصر، استنباط عنوان اهل کتاب را از آیات شریفه برداشت کرده اند و فهمیده اند که معنای اهل کتاب بودن آن عام ترین است. آنچه را نیز می توان استنباط کرد، مطالبی است که در کتب آنها از جمله کنزاً ربا نقل شده است که آنها را ملکوتی و خدا پرست می دانند و به پیامبران خدا که شناخته شده اند منسوب می کنند، زیرا که کتب آنها حاوی عقایدی است که فقط از حقایق الهی و ادیان آسمانی مانند اعتقاد به توحید، معاد، نامگذاری حق و صفات متعالی نسبت به خداوند، و اراده او و غیره سرچشمه می گیرد. و ادعا می کنند کتابهایی که شامل آنها کتاب یحیی (علیه السلام) که آن را خاتم پیامبران خویش می دانند، یا کتاب شیث و صحف آدم یا کتاب ادریس (علیهم السلام) با توجه به تفاوتی که در مورد آنها نقل شده است، همه آنها اشاره به عظمت این دین و جاودانگی آن می کند. نتیجه از

آنچه ذکر کردیم این است که: استنباط از آیات سه گانه که صابئین از اهل کتاب هستند امری پسندیده است و ایرادی ندارد.

منابع

- ابن تیمیه، أحمد (مجموعه الفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية الحرّاني)، (بی تا). المخرجین للأحاديث: عامر الجزار و أنور البارز، (بی جا).
- ابن خلدون، عبدالرحمن (بی تا). العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی أيام العرب والعجم والبربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الأكبر. اعتنى به أبو صهيب الكرمي. الرياض: بيت الأفكار الدولية.
- ابن عبري (۱۹۹۲)، تاریخ مختصر الدول، الطبعة الثالثة، بیروت، دار الشرق.
- ابن ندیم (۱۳۴۳). الفهرست، ترجمه: رضا تجدد، تهران: نشر ابن سینا.
- اف. ام. سی. غراث، جیمز (۲۰۱۰). قراءة قصة ميريای علی مستويين: دليل من الجدل المندائي ضد اليهود حول أصول و مبادئ المندائية المبكرة، دوریه آرام، جامعه بتلر.
- الآلوسی، محمود شکری (۲۰۱۲)، بلوغ الأرب فی معرفة أحوال العرب، مصر، نشر دار الكتاب المصری.
- الأنصاری، مصطفى (۱۳۷۷). تاریخ خوزستان (دوره شیخ خزعل)، ترجمه: محمد جواهر کلام، طهران، نشر شادگان.
- باکلی، جاکوب (۲۰۰۲). المندائيون: القدماء والحديثون، مطبعة جامعة أكسفورد.
- براندت، ت (۱۹۰۶). المندائيون، الموسوعة اليهودية، نیویورک: مطبعة فانک و واجنال.
- بیرونی، أبوریحان (۱۳۸۰)، الآثار الباقية عن القرون الخالية، تحقیق: برویز اذکانی، الطبعة الأولى، طهران: میراث مکتوب.
- جیفری، أ (۱۹۸۳). المفردات الأجنبية للقرآن، رساله دکتوراه، جامعه بارودا.
- حماده، محمد عمر (۱۹۹۲). تاریخ الصابئة المندائین، الطبعة الأولى، بیروت، طباعة دارقبيبة.
- الحموی، یاقوت (۱۹۹۸). معجم البلدان، المجلد الثاني، بیروت: دار الفکر.
- خامنهای، سید علی (۱۴۱۸). تحقیق فی حکم الصابئة، مجلة رسالة التقريب، العدد ۱۵.
- الخیون، رشید (۲۰۰۷). الأديان والمذاهب بالعراق، الطبعة الثانية، بغداد: منشورات الجمل.
- دراشه ادیہیا (۲۰۰۱). مواظظ و تعالیم النبی یحیی بن زکریا علیه السلام، الطبعة الأولى، ترجمه امین فعیل خطاب، بغداد: مطبعة بغداد.
- دراور، ا. س (۱۹۶۲). الصابئة المندائيون، ترجمه: نعیم بدوی و غضبان رومی، بغداد، مطبعة الإرشاد.
- دراور، ا. س (۱۹۷۳). اساطیر و حکایات شعبیة صابئیه، ترجمه: نعیم بدوی و غضبان رومی، بغداد: انتشارات ادیب بغدادی .
- دیوان حران کویتا (أو حران الداخلية)، (۲۰۰۳). ترجمه: امین فعیل خطاب، بغداد: دار المطبعة.

الرازی، ابن إدريس (١٩٩٩). تفسير القرآن العظيم، المجلد الأول، تحقيق أسعد محمد الطيب، بيروت: المكتبة العصرية .

رودولف، كورت (١٩٦٦). مشاكل تاريخ تطور الدين المندائي (دراسات في تاريخ الدين الثاني عشر) لبدن، إي جى، بريل.

رودولف، كورت (١٩٨٣). گنوسيس: طبيعة وتاريخ العقيدة، سان فرانسيسكو، عالم هاربر.

سباهى، عزيز (٢٠٠٨). أصول الصابئة المندائيين و معتقداتهم الدينية، بيروت، دار المدى للثقافة والنشر.

سوسه، أحمد (١٩٩٣). العرب واليهود في التاريخ حقائق تاريخية تظهرها المكتشفات الأثرية، حلب: العربي للطباعة والنشر والتوزيع .

الشهرستاني، محمد بن عبدالكريم (١٣٦٤). الملل و النحل، قم: نشر الشريف الرضى.

شيرالى، عادل (١٣٨٩). الصابئين الحقيقيين، تهران، انتشارات راستين.

صباحى مبارك، مال اللة (٢٠٠٧)، الصابئة المندائيون من هم والى أين؟ محاضرة غير مطبوعة أقيمت في مقر الجمعية الثقافية المندائية في اربيل بتاريخ ٢٠/١١/٢٠٠٧.

طباطبائي، محمد حسين (١٩٩٧). الميزان فى تفسير القرآن، المجلد الأول، طهران: منشورات مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.

الطبرى، محمد بن جرير (١٩٦٦). تاريخ الملوك و الرسل، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مصر: دار المعارف.

العبادى، محمود (١٩٦٨). مخطوطات البحر الميت، عمان، جمعية عمال المطابع التعاونية.

عجينة، محمد (١٩٩٤). موسوعة أساطير العرب عن الجاهلية ودلائها، بيروت: دار الفارابي .

العربستاني، مهرداد (١٣٨٧). تعميدان غريب، طهران، نشر أفكار.

على، جواد (٢٠٠١). المفصل فى تاريخ العرب قبل الإسلام، المجلد الخامس، بيروت: مطبعة دار الساقى.

عليان، رشدى (١٩٦٧). الصابئون حرانيين و مندائيين، بغداد: مطبعة دار السلام.

فروزنده، مسعود (١٣٧٧). دراسة عن ديانة الصابئة المندائيين، المجلد الأول، طهران، انتشارات سماط.

قيّم، بهادر (١٤٣٣). الصابئة المندائيون فى التاريخ؛ من فلسطين إلى إيران، مجلة دراسات فى العلوم الأنسانية، دوره ١٩، العدد ٢.

كتاب المقدس (العهد القديم و العهد الجديد) انجيل لوقا

كنزآربا

كوندروز، س (١٩٩٦). معرفة الحياة: دراسة حول أصول الصابئة المندائيين، ترجمة: سعدى السعدى، السويد: مركز الحرف العربى.

ماتسوخ، رودولف (١٣٣٩). الثقافة الإيرانية. طهران: مطبعة بهمن، العدد ٨.

ماتسوخ، رودولف (١٩٥٥). كتيب المندائية الكلاسيكية والحديثة، برلين.

مجلة المشرق (١٩٠٢). المجلد الخامس، بيروت.

- مجلة المقتطف (١٩٤٩). الجزء الأول، المجلد: ١١٥، العدد: ١، القاهرة.
- مجلة بيت مندا (١٣٩٠)، العدد ١١٨، بترخيص من وزارة الثقافة، بيت العلم و المعرفة الإسلامية، السنة الحادية عشرة.
- المدني، محمد نمر (٢٠١٨). الصابئة المندائيون العقيدة و التاريخ، دمشق: دار و مؤسسة رسلان.
- مكارم الشيرازي، ناصر (١٤٢١). الأمثل في تفسير كتاب الله المنزل، المجلد الأول، قم: مدرسه الامام على بن ابي طالب (ع).
- مكلف، مؤيد (٢٠٠١). المستشرقون و ديانة الصابئة المندائية من خلال مواقع الصابئة المندائية، مجلة آفاق مندائية، المديرية العامة لأوقاف الصابئة المندائيين، العدد ١٧
- هاكس، جيمز (١٣٨٩)، قاموس كتاب المقدس، طهران: مكتبة طهوري.
- ياماوجي، إدوين م (١٩٧٠). الأخلاق الغنوصية والأصول المندائية، مطبعة جامعة هارفارد، المجلد ٢٤.
- اليقوي، احمد بن إسحاق (بي تا)، تاريخ اليعقوبي، بيروت: دار صادر.
- Ajina, M (1994). Encyclopedia of Arab Myths on Jahiliyyah and its Significance, Beirut: Dar Al-Farabi, p. 243.
- Ali, J (2001 AD). Al-Mufasssal in the History of the Arabs before Islam, The Fifth Skin, Beirut, Dar Al-Saqi, p.
- Alian, R (1967). The Sabians are Harranians and Mandaean, Baghdad: Dar Al-Salam Press.
- Al-Biruni, A (1380). The Remaining Traces of the Old Centuries, Edited by Parveiz Azkani, First Edition, Tehran: A Written Legacy, pp: 407,500,508.
- Al-Razi, I (1999). Interpretation of the Great Qur'an, Volume One, edited by Asaad Muhammad al-Tayyib, Beirut: The Modern Library, 83-82.
- Al-Shahristani, M (1364). Al-Milal wa Al-Nahl, Qom: Sharif Al-Radhi Publishers, p.109.
- Al-Tabari, M (1966). History of Kings and Messengers, edited by: Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Egypt: Dar al-Maarif, pp. 316 and 321.
- Al-Tabatabai, M (1997). Al-Mizan fi Interpretation of the Qur'an, Volume 1, Tehran: El-Alami Publications Publications, p. 190.
- Drash Adiyah (2001). The sermons and teachings of the Prophet Yahya bin Zakaria, peace be upon him, first edition, translated: Amin Fa'il Hattab, Baghdad: Press Baghdad, p: 83.
- Drawer, A. S. (1973). Sabian myths and folk tales, translated by: Naim Badawi and Ghadban Rumi, Baghdad: Adeb Baghdad's Spreads, p: 26.
- Drawer, A. S. (1962). Sabean-Mandaean, translation: Naim Badawi and Ghadban Rumi, Baghdad, Al-Irshad Press, pp: 15 and 263-249.

- Elkhon, R (2007). Religions and Sects in Iraq, second edition, Baghdad: Publications of the Camel, pp. 53-52.
- F. McGrath, J (2010). Reading the Story of Miriai on Two Levels: Evidence from Mandaean Anti-Jewish Polemic about the Origins and Setting of Early Mandaeanism, ARAM Periodical, Butler University, pp: 583-592.(^)
- Foruzandeh, M (1377). A study on the Sabeian-Mandaean religion, vol. I, Tehran, Tableware, p. 64.
- Gundz, S. (1996). Knowledge of Life: A study on the origins of the Sabeian-Mandaeans, translated by: Saadi al-Saadi, The Arabic Crafts Center, Sweden. P:85.
- Hacks, James (1389). Dictionary of the Bible, Tehran: Tuhri Library, p: 514..
- Ibn Taymiyyah, Ahmad (Fatwas Group of Sheikh al-Islam Ibn Taymiyyah al-Harrani), (No date). Fourth volume, The Collectors of Hadiths: Amer Al-Jazzar and Anwar Al-Bariz, (no place for publish), 113.
- Jeffery, A (1983). The foreign Vocabulary of the Quran, Thesis of PhD, University of Baroda, pp: 191-192.
- Khamenei, S. Ali (1418). An Inquiry into the Judgment of the Sabeans, Risalah Al-Taqrif Magazine, Issue 15, pp. 48-19.
- Lewy, j, (1968). The late Assyoro-Babylionian cult of the moon and its culmination of the time of Nabonidus, Hebrew union college annual, Volume XIX, 1945-1946, Ktav publishing house, New York, pp: 1946-1947 and 193-194.
- Makarim al-Shirazi, N (1421). The Optimal Interpretation of the Book of God Almighty, Volume 1, Qom: The School of Imam Ali bin Abi Talib (PBUH), p.: 256.
- Qayyim, B (1433/2012). Sabeian Mandaeans in history; From Palestine to Iran, Studies in the Humanities Journal, Edition 19, Issue 2, pp: 2, 5, 6.
- Rudolph, k, (1983), Gnosis: the nature and history of nasticism, san Francisco, Harper world, pp: 92.
- Sepahi, A (2008). The Origins of the Sabeian-Mandaeans and their Religious Beliefs, Beirut, Dar Al-Mada for Culture and Publishing, pp. 33-5.
- Shirali, A (1389). The True Sabeans, Tahrn, Rasten Scattered, pp. 34-33.
- Sousa, A (1993). Arabs and Jews in history, historical facts revealed by the archaeological discoveries, Aleppo: Al-Arabi Printing, Publishing and Distribution, p. 71.
- Subhi Mubarak, M (2007). Sabeian Mandaeans Who are they and to where? An unprinted lecture given at the headquarters of the Mandatory Cultural Association in Erbil on 20, November 2007